

مبانی و دستور خط فارسی شکسته
براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی
(از ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷)

امید طبیب‌زاده

(استاد آواشناسی و واجشناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

مبانی و دستور خط فارسی شکسته

براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی

(از ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷)

مؤلف: امید طیب‌زاده

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیم: ۴۲۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و جفافی: یزدا

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: طیب‌زاده، امید، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: مبانی و دستور خط فارسی شکسته: براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی (از ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷)/امید طیب‌زاده.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ژ، ۲۶۵ص.

شابک: 978-622-6304-21-4

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فارسی گفتاری

موضوع: Persian language -- Spoken Persian

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian fiction -- 20th century -- History and criticism

موضوع: نمایشنامه فارسی -- ایران -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian drama -- Iran -- 20th century -- History and criticism

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: PIR۲۶۳۹/ط۲م۲ ۱۳۹۸

رده بندی دیویی: ۴۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۴۹۷۱۳

تقدیم به دکتر علاءالدین طباطبائی،
به پاسِ بارِ دانش و سایهٔ دوستی‌اش

www.ketab.ir

سید علی جمالزاده حدود ۳۰ سال پیش با انتشار مجموعه داستان‌های کوتاه و معروفش با عنوان یکی بود یکی نبود، نخستین تیر را در نبرد میان سنت و تجدد شلیک کرد. او در این کتاب برای اولین بار از مجموعه‌ای از لغات و عباراتی در ادبیات فارسی استفاده کرد که از یک سو در هیچ یک از لغت‌نامه‌های فارسی ثبت نشده بود و ادبا با احتیاط تمام از آنها احتراز می‌کردند، و از سوی دیگر تمام طبقات مردم در صحبت‌های روزمره خود به فراوانی از آنها استفاده می‌کردند. جمالزاده به همین قاعده عمل کرد که در غنای لغات زبان ادبی بیفزاید، اما گام دوم را که بسیار به‌برانگیزتر از گام نخست بود، مردانی چون صادق هدایت و ربیعش صادق چوبک برداشتند: آنان شخصیت‌های خیالی داستان‌های خود را وامی‌داشتند که تا حد امکان از تلفظ و قواعد دستوری واقعی زبان گفتاری استفاده کنند.

(جمالزاده، بویل ۱۹۵۲)

من الآن سخیف‌ترین رسم الخط‌ها را هم با شما قبول کنم به شرط آنکه همه مردم آن را به کار ببرند. چون اگر قبول داریم خط قرارداد است، یکی از این قراردادها را باید بپذیریم، هر چه می‌خواهد باشد. من دیگر به جایی رسیده‌ام که حاضرم همه استدلال‌های خودم را دور بریزم و رسم الخطی را بپذیرم که همه به کار ببرند. مهم این است که همه مردم آن را به کار ببرند.

(ابوالحسن نجفی ۱۳۹۶ [۱۳۸۴])

فهرست

فهرست راج و نشانه‌های آوایی	ث
پیشگفتار	۱
مقدمه	۳
۱. دوزبانگونی و گونه میانجی گفتاری	۱۱
دوزبانگونی	۱۱
گونه میانجی گفتاری	۱۷
۲. صورت‌های شکسته و فارسی شکسته	۲۱
۳. حوزه‌های استفاده از شکسته‌نویسی در فارسی	۲۵
محاوره‌گرایی (یا گفتاری‌نویسی)	۲۶
فضای مجازی	۲۷
۴. تحقیقات پیشین	۳۱
جان اندرو بویل (۱۹۵۲)	۳۱
حسن کامشاد ۱۹۶۶ / [۱۳۴۵]	۴۰
پرویز ناتل خانلری (۱۳۵۳)	۴۳
ابوالحسن نجفی (۱۲۶۰)	۵۰
احمد سمیعی (۱۳۹۱)	۵۶

- ۵۹..... منوچهر انور (۱۳۸۵).....
- ۶۰..... علی صلح‌جو (۱۳۸۶).....
- ۶۵..... علی صلح‌جو (۱۳۹۱).....
- ۶۹..... مهدی ایوبی و روزبه آزادی (۱۳۹۴).....
- ۷۵..... ۵. شک‌ت‌نویسی در صد سال نثر فارسی (۱۲۹۷ تا ۱۳۹۷).....
- ۸۷..... ۶. تحلیل دهها: انواع صورت‌های شکسته و بسامد آنها.....
- ۹۱..... گونه‌های آزاد (۷۰۴ مورد از ۱۶۹۷ کلمه؛ ۴۱٪ از کل کلمات شکسته پیکره).....
- ۹۱..... تبدیل /u/ به /a/ (۲۶۶ مورد از ۱۶۹۷ مورد؛ حدود ۱۶٪).....
- ۹۲..... حذف /-r/ پایانی از کلمات «آخر»، «گر»، «دیگر» و «مگر» (۸۳ مورد از ۱۶۹۷ مورد؛ حدود ۵٪).....
- ۹۳..... تبدیل «یک» به «یه» (۱ مورد از ۱۶۹۷ مورد؛ حدود ۵٪).....
- ۹۳..... تبدیل «چه» به «چی».....
- ۹۳..... حذف کسره اضافه از حرف اضافه.....
- ۹۴..... تبدیل /am/ به /um/.....
- ۹۴..... تبدیل «ها»ی جمع به «-ا».....
- ۹۶..... حذف صامت از خوشه‌های صامتی در پایان واژه.....
- ۹۷..... فرایند کمتر شدن تعداد هجاها.....
- ۹۸..... فرایند حذف /h/ پایانی.....
- ۹۸..... فرایند ساده شدن خوشه میان واژه.....
- ۹۸..... فرایند هماهنگی مصوتی: پسین‌شدگی /æ/ به /a/.....
- ۹۹..... فرایند هماهنگی مصوتی: افراشتگی /e/ به /i/.....
- ۹۹..... فرایند هماهنگی مصوتی: افراشتگی /o/ به /u/.....
- ۹۹..... همگونی ناقص محل تولید.....

- موارد متفرقه دیگر (۸۴ مورد از ۱۶۹۷؛ حدود ۵٪)..... ۱۰۰
- صیغه‌های شکسته فعلی (۵۳۲ مورد از ۱۶۹۷ کلمه؛ ۳۱٪ از کل کلمات شکسته پیکره)..... ۱۰۳
- تناوب‌های سبکی شناسه‌های فعل..... ۱۰۳
- تناوب‌های سبکی بن مضارع فعل..... ۱۰۴
- موارد متفرقه..... ۱۱۵
- صورت‌های «تامشده» پی‌بستی (۳۹۷ مورد از ۱۶۹۷ کلمه؛ ۲۴٪ از کل کلمات شکسته پیکره)..... ۱۲۱
- واژه بست..... ۱۲۱
- صیغه‌های پی‌بستی «ن» به «ای» «ستن» (۱۲۴ مورد از ۱۶۹۷ کلمه؛ حدود ۸٪ از کل کلمات شکسته پیکره)..... ۱۲۶
- پی‌بست نقش‌نماینده /-C/ (بدل از «را») (۱۱۹ مورد از ۱۶۹۷ کلمه؛ حدود ۷٪ از کل کلمات شکسته پیکره)..... ۱۳۲
- انواع پی‌بست‌های ضمیری (۱۷ مورد از ۳۶۰ کلمه؛ حدود ۷٪ از کل کلمات شکسته پیکره)..... ۱۳۶
- پی‌بست قیدی /-æm/ (بدل از قید «چون») (۷ مورد از ۱۶۹۷ کلمه)..... ۱۴۷
- گونه‌های گویشی (۶۴ مورد از ۱۶۹۷ مورد کل کلمات شکسته پیکره)..... ۱۵۱
۷. صورت‌های شکسته و فرهنگ‌های فارسی..... ۱۵۵
- چه صورت‌های شکسته‌ای باید در فرهنگ‌های عمومی مدخل شوند..... ۱۵۷
- گونه‌های آزاد سبکی..... ۱۵۷
- صیغه‌های شکسته فعلی..... ۱۶۰
- صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی..... ۱۶۱
- صورت‌های شکسته در برخی از فرهنگ‌های فارسی..... ۱۶۱
- جعفر شهری (۱۳۷۰)..... ۱۶۴
- احمد شاملو (۱۳۷۲)..... ۱۶۴
- بهروز صفرزاده (۱۳۹۵)..... ۱۶۵

- ۱۶۶..... شیوه ضبط صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های عمومی فارسی
- ۱۶۹..... ضمیمه ۱: پیکره.....
- ۲۲۳..... ضمیمه ۲: فهرست نام نویسندگان به ترتیب سال تولد و تعداد صورت‌های شکسته آنان:
- ۲۲۹..... ضمیمه ۳: چند نکته مربوط به خط و واج‌شناسی.....
- ۲۳۱..... ضمیمه ۴: چکیده صورت‌های شکسته قاعده‌مند.....
- ۲۳۱..... ۱. گ.های آزاد سبکی: تبدیل پسوند «ها» ی جمع به «ل».....
- ۲۳۲..... ۲. موارد شکسته: ۱. به صیغه‌های فعلی.....
- ۲۳۲..... تناوب‌های سبکی: سبک‌های فعل.....
- ۲۳۳..... تناوب‌های سبکی: سبک‌های سبکی.....
- ۲۳۶..... موارد متفرقه.....
- ۲۳۷..... ۳. صورت‌های کوتاه‌شده پی‌بستی.....
- ۲۳۷..... صیغه‌های پی‌بستی فعل ربطی «استن».....
- ۲۳۸..... پی‌بست نقش‌نمای /-rO/ (یا /-O/) (بدل از «را».....
- ۲۳۹..... پی‌بست‌های ضمیری (ضمایر متصل ملکی).....
- ۲۴۱..... پی‌بست‌های ضمیری پس از برخی از حروف اضافه.....
- ۲۴۲..... پی‌بست قیدی /-æm/ (بدل از قید «هم»).....
- ۲۴۳..... ضمیمه ۵: فهرست گزیده کلمات شکسته.....
- ۲۴۷..... فهرست منابع پیکره.....
- ۲۵۳..... فهرست مآخذ.....
- ۲۵۹..... فهرست راهنما.....

فهرست واج‌ها و نشانه‌های آوایی

در این کتاب برای نمایش واج‌های فارسی از علائم الفبای آوایی بین‌المللی (IPA)^۱ استفاده کرده‌ایم (رک Handbook of the International Phonetic Association 2007). تنها تفاوت علائم IPA با علائم فارسی این است که در آنجا برای نمایش مصوت‌های «آ» و «اَ» به ترتیب از نمادهای /ɑ/ و /a/ استفاده می‌شود، اما ما در اینجا به علت شباهت این دو نماد به هم، و برای جلوگیری از خلط آنها، برای نمایش مصوت «آ» از نماد /a/ و برای نمایش مصوت «اَ» از نماد /æ/ استفاده کرده‌ایم:

p	دولبی، انسدادی، بی‌واک	مانند «پ» در: «پرواز»
b	دولبی، انسدادی، باواک	مانند «ب» در: «برابر»
t	لثوی، انسدادی، بی‌واک	مانند «ت» و «ط» در: «ترانه» و «طبيب»
d	لثوی، انسدادی، باواک	مانند «د» در: «دار»
k ^۲	کامی، انسدادی، بی‌واک	مانند «ک» در: «کار» و «کمال»
g ^۳	کامی، انسدادی، باواک	مانند «گ» در: «گل» و «گش»
G	ملازی، انسدادی، باواک	مانند «ق» و «غ» در: «قرب» و «غیب»
ʔ ^۴	چاکنایی، انسدادی، بی‌واک	مانند «آ» و «ع» در: «مأل» و «معمر»

^۱ International Phonetic Alphabet= IPA

^۲ این واج در فارسی باید به شکل /C/ نمایش داده شود، اما در اینجا برای راحتی کار خوانندگان، از نماد آشناتر /k/ استفاده کرده‌ایم (در این مورد دیدگاه‌های متفاوتی بین آواشناسان وجود دارد؛ مثلاً رک Bijankhan, 2018: 111-141، و Modarresi 2018: 91-110).

^۳ این واج نیز در زبان فارسی باید به شکل /ʒ/ نمایش داده شود، اما باز برای راحتی خوانندگان نماد آشناتر /g/ را برگزیده‌ایم (رجوع شود به مآخذ مندرج در پانویشت قبل).

ژ میانی و دستور خط فارسی شکسته...

s	لثوی، سایشی، بی‌واک	مانند «س» و «ص» و «ث» در: «سلام» و «صبر» و «ثروت»
z	لثوی، سایشی، باواک	مانند «ز» و «ذ» و «ض» و «ظ» در: «زَر» و «ذَل» و «ضمیر» و «ظهر»
f	لثوی-کامی، سایشی، بی‌واک	مانند «ش» در: «شب»
ʒ	لثوی-کامی، سایشی، باواک	مانند «ژ» در: «ژاله»
f	لب-دندانی، سایشی، بی‌واک	مانند «ف» در: «فریاد»
v	لب-دندانی، سایشی، باواک	مانند «و» در: «ولی»
x	مدری، لرزشی، بی‌واک	مانند «خ» در: «خوب»
h	چاکنایی، سایشی، بی‌واک	مانند «ح» و «ه» در: «حاصل» و «هوا»
tʃ	لثوی-کامی، انفجاری، سایشی، بی‌واک	مانند «چ» در: «چمن»
dʒ	لثوی-کامی، انفجاری، سایشی، باواک	مانند «ج» در: «جمله»
r	لثوی، لرزشی، باواک	مانند «ر» در: «راز»
m	دولبی، خیشومی، باواک	مانند «م» در: «منزل»
n	لثوی، خیشومی، باواک	مانند «ن» در: «نور»
l	لثوی، کناری، باواک	مانند «ل» در: «غزل»
j	کامی، غلتی، باواک	مانند «ی» در: «یار»
i	مصوت پیشین افراشته	مانند «ی» در: «دید»
e	مصوت پیشین میانی	مانند «ه» در: «بک»
æ	مصوت پیشین افتاده	مانند «ا» در: «ما»
u	مصوت پسین افراشته	مانند «و» در: «دور»
o	مصوت پسین میانه	مانند «اُ» در: «امید»
a	مصوت پسین افتاده	مانند «آ» در: «آریا»
ˈ	تکیه (stress)	
:	بسیار کشیده (جلوی نشانه اصلی، مانند e)	
.	با اندکی کشش اضافه (جلوی نشانه اصلی، مانند e)	

پیشگفتار

کتاب حاضر حاصل طرح پژوهشی یک‌ساله اینجانب (از تیر ۱۳۹۶ تا تیر ۱۳۹۷) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بوده است، اما نخستین گام‌ها برای آماده‌سازی آن به اوایل سال ۱۳۹۵ بازمی‌گردد که قرار شد مطلبی را برای سخن‌رانی در انتشارات فنی ایران آماده کنم. آن سخن‌رانی را با عنوان «فارسی شکسته در آثار داستانی زبان فارسی» در همان‌دیشی «تئوریش و دستور زبان» در تهران و در محل انتشارات فنی ایران (۴ اسفند ۱۳۹۵) ایراد کردم. سپس به دنبال بحث‌های موافق و مخالف بسیاری که درگرفت، کوشیدم تا ضمن پرداختن مجدد به موضوع، رسم‌الخط ضابطه‌مندی را نیز برای خط فارسی شکسته در گنگ‌های آثار داستانی و نمایشی فارسی پیشنهاد کنم. فرصت یک ساله طرح پژوهش در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی زمان بسیار مناسبی را در اختیارم گذاشت تا بتوانم دادداشت‌های خود را سروسامانی بدهم و کتاب حاضر را بنویسم.

نگاشتن این کتاب را مدیون استادان و دوستانی هستم که یادشان روشن می‌دارد، و ذکر نامشان قوتم می‌بخشد: از استاد عزیزم جناب دکتر علی اشرف صادقی نهایت امتنان را دارم؛ که همواره با روی گشاده پاسخ‌گوی خیل سؤالات بنده درباره تاریخ زبان فارسی و مخصوصاً تحول زبان گفتاری فارسی بودند؛ تقریباً تمامی مباحثی را که درباره تحول تاریخی فارسی گفتاری در این کتاب آورده‌ام، مدیون راهنمایی‌ها و توضیحات و آثار و تقریرات ایشان هستم. از استاد ارجمند جناب آقای دکتر مصطفی عاصی سپاس‌گزارم که به بنده اجازه دادند تا از پیکره زبانی ارزشمند «پایگاه دادگان زبان فارسی» در پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی استفاده کنم، و همچنین در نهایت گشاده‌رویی و مهربانی فرصت و امکانات لازم برای پرداختن به این مهم را در اختیارم گذاشتند. وامدار دوست عزیز و دانشمند آقای دکتر علاءالدین طباطبایی هستم که تردید مرا در نوشتن این کتاب قاطعانه برطرف کردند و به بنده اطمینان دادند که زبان فارسی بی‌گمان نیازمند دستوری برای خط شکسته خود است. ایشان نه تنها به هنگام نوشتن این کتاب بارها و بارها طرف مشورت‌م بودند، بلکه پس از پایان یافتن کار کتاب، آن را به دقت مطالعه و ویرایش کردند و مرا بیش از پیش بیون محبت‌های خود ساختند. از همکار ارجمند و دوست دانشمند سرکار خانم دکتر گلناز مدیری قوامی، استاد آواشناسی و واج‌شناسی گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی، نهایت امتنان را دارم که با صبر و حوصله بسیار به سؤالاتم پاسخ دادند و سخاوتمندانه مرا از دانش وسیع خود در حوزه آواشناسی و واج‌شناسی زبان فارسی بهره‌مند ساختند. ایشان همچنین بخش‌های مفصلی از این کتاب را پیش از انتشار خواندند و ضمن برطرف کردن ایرادات آن، مآخذ مهمی را به من معرفی کردند که تأثیر بسیاری در بهبود بخشیدن کارم داشت. از همکاران عزیز و دانشمند آقایان دکتر بهروز محمودی بختیاری و دکتر حسین صافی پیرلوجه که دست‌نوشته کتاب حاضر را خواندند و بسیاری از ایرادات آن را اصلاح کردند سپاس فراوان دارم؛ و بالاخره باید از دوست عزیز و دانشمند جناب آقای دکتر سیروس نصرالله‌زاده سپاس‌گزاری کنم که با مهربانی و نیت‌رویی ذاتی خود هرآنچه برای تدوین کتاب حاضر لازم داشتم در اختیارم نهادند و از هیچ محبت و همکاری و مساعدتی دریغ نکردند؛ افتخار دوستی با دکتر نصرالله‌زاده گرچه کمی دیر در زندگی بنده دست داد، بی‌گمان از زمره خجسته‌ترین اتفاقات آن بود.

در پایان تذکر این نکته، هرچند هم که بدیهی باشد، بر بنده واجب است که استادان و دوستانی که از آنها یاد کردم لزوماً موافق با تمام آراء مطرح شده در این کتاب نیستند، و هر نقص و خطایی در این کتاب وجود دارد، تنها به عهده نگارنده آن است و بس.

امید طبیب‌زاده

تهران، دی ۱۳۹۷

مقدمه

لازم است مقدمه را با تعریف مختصری از اصطلاحات «صورت شکسته» و «شکسته‌نویسی»، آموخته که در این کتاب منظور نظر ماست، آغاز کنیم: صورت شکسته به شکل نوشتاری کلمه یا وند یا پی‌بستی اطلاق می‌شود که اولاً مبین تلفظ سبک گفتاری فارسی باشد، و ثانیاً برای معادل آوایی سالمی در زبان رسمی معیار فارسی باشد؛ مثلاً «اگه» و «سوز» در صورت‌های شکسته کلمات سالم «اگر» و «می‌توانم» هستند؛ یا «ا» در «تابا، نلا، ردا» صورت شکسته پسوند تصریفی جمع «-ها» در «کتاب‌ها، گل‌ها، مرده‌ها» است؛ یا «رو» و «و» در «کتاب‌رو» و «کتابو» پی‌بستی شکسته کلمه دستوری و سالم «» در «کتاب را» هستند. در این معنا شکسته‌نویسی به انعکاس تلفظ فارسی گفتاری در نوشتاری، مثلاً در رمان‌ها و آثار نمایشی اطلاق می‌شود. توجه شود که صورت‌هایی چون «آر» یا «آر» را نمی‌توان صورت شکسته کلمه «اگر» دانست، زیرا «گر» و «ار» متعلق به سبک ادبی و کهن هستند و نه سبک گفتاری معیار؛ همچنین «می‌تانم» را نمی‌توان صورت شکسته «می‌توانم» دانست، زیرا «می‌تانم» متعلق به یکی از گونه‌های گویشی فارسی، مثلاً گونه کرمانشاهی است، و نه متعلق به سبک گفتاری فارسی. البته ما در این کتاب، به عللی که ذکرش خواهد آمد، صورت‌های گویشی به کار رفته در آثار داستانی و نمایشی فارسی را نیز استخراج کرده‌ایم و آمار آنها را در بخشی تحت عنوان «گونه‌های گویشی» به دست داده‌ایم، اما در مجموع باید حساب صورت‌های گویشی را از صورت‌های سبکی شکسته جدا دانست.

چنانکه خواهیم دید، بسیاری از ادبا و دستورنویسان ایرانی تصور می‌کنند که شکسته‌نویسی باعث نامفهوم شدن نوشته‌های فارسی، و نیز باعث بروز انقطاعی میلن نسل‌های جوان و ادبیات قدیم، و حتی باعث انحطاط و زوال و نابودی زبان فارسی می‌شود. بسیاری نیز تصور می‌کنند که فارسی گفتاری، گویش خاص مردم تهران است و از این رو، عکاس آن در نوشتار چیزی نیست مگر تبعیض آشکار به نفع مردم پایتخت و به ضرر مردم بقیه مناطق ایران. در نتیجه آنان تأکید می‌کنند که رمان‌نویسان و نمایش‌نامه‌نویسان باید گفتگوهای آثار خود را از حیث تلفظ مانند فارسی رسمی، اما از حیث نحو و واژگان مانند فارسی محاوره‌ای بنویسند، زیرا در این صورت خوانندگان خودشان آن گفتگوها را به صورت محاوره‌ای یا شکسته می‌خوانند. در کتاب حاضر ضمن معرفی و بررسی و نقد چنین آرای، از اهمیت شکسته‌نویسی در گفتگوهای رمان‌ها و نمایش‌نامه‌های فارسی سخن می‌گوییم و می‌کوشیم رسم الخطی یک‌دست و ضابطه‌مند برای آن پیشنهاد کنیم.

هر جامعه زبانی دارای مجموعه‌ای از زبان‌گونه‌های (varieties) متفاوت است. این مجموعه که کیفیت آن از هر جامعه زبانی به حالت دیگر متفاوت است، اصطلاحاً گنجینه زبانی (linguistic/ verbal repertoire) نامیده می‌شود (Busch, 2012). گنجینه زبانی شامل تمام گویش‌ها (dialects)، سبک‌ها (styles)، لهجه‌ها (accents) و حتی زبان‌های متفاوتی است که اهل هر جامعه زبانی، بسته به موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، در آن جامعه به کار می‌برند. گاهی نیز اهل زبان در سرتاسر جامعه زبانی خود، بسته به موقعیت اجتماعی که در آن قرار دارند، از دو گونه بسیار متمایز یک زبان واحد استفاده می‌کنند که به این حالت دوزبانگونی (diglossia) اطلاق می‌شود و این مورد نیز در زمره همان گنجینه زبانی می‌گنجد. زبان فارسی در ایران دارای گنجینه‌ای غنی از گونه‌های متفاوت محلی و اجتماعی است که ما از آن میان در کتاب حاضر به دو گونه معیار رسمی (یا نوشتاری) و معیار گفتاری‌اش می‌پردازیم. به عنوان مثال مطالب کتاب حاضر و مطالب تمام مجلات علمی و فرهنگی و روزنامه‌های رسمی کشور و همچنین اخبار رادیو و تلویزیون و همایش‌های گوناگون علمی و سیاسی غالباً به گونه معیار رسمی

زبان فارسی نوشته و بیان می‌شود، اما گفتارهای روزمره، و نیز گفتار فیلم‌ها و نمایش‌نامه‌ها و گفتگوهای بسیاری از داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها و نامه‌های دوستانه و غیره غالباً به گونه معیار گفتاری آن بیان و نوشته می‌شود. تفاوت فارسی رسمی با فارسی گفتاری، تفاوتی سبکی است که گاه مبدل به دوزبان‌گونه می‌شود؛ مثلاً تفاوت این دو گونه به هیچ‌وجه قابل قیاس با وضعیت دوزبان‌گونه‌ی در یونان یا جوامع عربی‌زبان نیست، اما در عین حال بسیاری از ویژگی‌های بارز دوزبان‌گونه‌ی را می‌توان بین این دو گونه مشاهده کرد. البته گفتنی است که به باور بسیاری از زبان‌شناسان تفاوت فارسی رسمی و فارسی گفتاری تفاوتی کاملاً دوزبان‌گونه‌ای (diaglossic) است (مثلاً رک. کلباسی ۱۳۸۰؛ Jeremias 1984 و Mahmoodi-Bakhtiar 2018؛ برای تقسیم‌بندی دقیق‌تر و مفصل‌تر انواع گونه‌های فارسی رک. صابر متمدن (۱۳۹۱)، و نیز (Hodge, 1957)؛ و برای بحث بیشتر درباره انواع تفاوت‌های فارسی گفتاری و نوشتاری رک. مدرسی (۱۳۸۰)؛ و سارلی (۱۳۸۴)).

حال بر اساس آنچه گذشت می‌گوییم «فارسی سالم» یعنی متنی که صورت کلمات آن مبین تلفظ نوشتاری یا رسمی آنها باشد. «فارسی شکسته» یعنی متنی که در آن با استفاده از صورت‌های شکسته، تلفظ گفتاری کلمات نمایش داده می‌شود. مثلاً هر دو جمله زیر دارای نحو و واژگان گفتاری است، اما جمله نخست به فارسی سالم، و جمله دوم به فارسی شکسته است:

۱. اگر این شاسکول برود تهران، مامان جان خودش همه را می‌برد. خانه‌اش، ابراهیم

۲. آگه این شاسکول بره تهرون، مامی جون خودش همه رو می‌بره. خونه‌ش، ایش ابی

صورت‌های شکسته و سالم در جمله‌های فوق عبارتند از «آگه/اگر؛ بره/برود؛ تهرون/

تهران؛ مامی/مامان؛ جون/جان؛ رو/را؛ می‌بره/می‌برد؛ خونه‌ش/خانه‌اش؛ ابراهیم/ابی».

باید توجه داشت که لغات گفتاری (مثلاً «واسه، دم، بیخ...») یا عامیانه (مثلاً:

«شاسکول، آژگل، خفن، ننه‌مرده...») یا زبان مخفی یا جارگون (مثلاً «دُم‌سیا (برنج)، پُرپا

(کبوتر)، کَلِگی (در سوارکاری)) یا گویشی (مثلاً: کرتخاله، کپان، تُرش‌بالا...)، گرچه از

موارد محاوره‌گرایی محسوب می‌شوند، ربطی به شکسته‌نویسی ندارند، زیرا یا متعلق به

فارسی معیار گفتاری نیستند، و یا معادل آوایی سالمی در زبان رسمی فارسی ندارند.

همچنین بعضی از پسوندها نیز که خاص زبان گفتار هستند و کاربردی در تلفظ رسمی ندارند، گرچه ذیل محاوره‌گرایی قرار می‌گیرند، باز ربطی به شکسته‌نویسی ندارند زیرا دارای صورت سالم مشابهی نیستند؛ مثلاً پسوند معرفه‌ساز -e در کلماتی چون «دختره»، «پسره»؛ یا پسوند تصغیرساز -e در کلماتی چون «مردکه»، «زنکه»؛ یا پسوند قیدساز «کی» در کلماتی چون «راستکی»، «یواشکی»، یا پسوند القایی -u در کلماتی چون «چلمو» و غیره (رک. صادقی ۱۳۸۳: ۷۴۸-۷۴۹) همه ذیل محاوره‌گرایی می‌گنجند اما ربطی به شکسته‌نویسی ندارند.

اخيراً جمعی از وبلاستاران و پژوهشگران، از اصطلاح «گفتاری‌نویسی» بجای «شکسته‌نویسی» استفاده کرده‌اند. به تصور آنان اصطلاح «گفتاری‌نویسی» دقیق‌تر از اصطلاح قدیم و جاافتاده «شکسته‌نویسی» است. در پاسخ به این گروه باید گفت اولاً وقتی اصطلاح جاافتاده‌ای وجود دارد که معنایش کم و بیش برای اهل فن و اهل زبان روشن است و از آن به کرات در بحث علمی استفاده شده است، به هیچ‌وجه نباید اصطلاح دیگری را جایگزین آن کرد. چنانچه خواهیم دید اصطلاح «شکسته‌نویسی» یادگار بزرگانی چون مجتبی مینوی و پرویز ناتل خانلری و ابوالحسن نجفی است که پس از آن مورد استفاده دانشمندان بسیار دیگری قرار گرفته است. ثانیاً اصطلاح «گفتاری‌نویسی» (یا محاوره‌گرایی) خود دارای معنای بسط و مشخصی است که نباید با «شکسته‌نویسی» خلط شود. «گفتاری‌نویسی» یعنی استفاده از تمام ویژگی‌های صرفی و نحوی و واژگانی و تلفظی گفتار در نوشتار، درحالی‌که «شکسته‌نویسی» یعنی فقط انعکاس ویژگی‌های تلفظ گفتاری در نثر. به عبارت دیگر «شکسته‌نویسی» تنها یکی از انواع «گفتاری‌نویسی» است. مثلاً نثر جمال‌زاده در داستان کوتاه «دوستی خاله خرسه» در مجموعه‌ای بود یکی نبود (۱۳۰۰) شامل نوعی گفتاری‌نویسی است بدون هیچ‌گونه شکسته‌نویسی، درحالی‌که نثر گلی ترقی در خواب زمستانی (۱۳۵۱) شامل انواع گفتاری‌نویسی و من جمله شکسته‌نویسی است. چنانکه خواهیم دید «گفتاری‌نویسی»، یا به تعبیر ما «محاوره‌گرایی»، معادل فارسی اصطلاح فرنگی colloquialism است.

بدیهی است که فارسیِ گفتاری، همانطور که از نامش پیداست، خاصِ گفتار است و نه نوشتار، اما این نیز واقعیت دارد که حدود صد سال است که بسیاری از نویسندگان ایرانی در گفتگوهای آثار داستانی یا نمایشی خود از فارسیِ گفتاری استفاده می‌کنند. چنانکه خواهیم دید، برخی از ادبا معتقدند که نویسندگان فارسی‌زبان باید در نوشته‌های خود لفظِ گفتاری را کنار بگذارند و صرفاً از لفظِ نوشتاری یا همان لفظِ قلم استفاده کنند؛ یعنی مثلاً باید از قول قهرمانان داستان‌های خود بنویسند «هوا سرد است» و نه «هوا سرده»، یا باید بنویسند «کتاب‌ها را بیاور» و نه «کتابارو بیاور» و غیره. چنانکه در بخش‌های بعد به تفصیل خواهیم دید، به باور آنان استفاده از نحو و لغات و اصطلاحات فارسیِ گفتاری در دیالوگ‌های داستان‌های فارسی نه تنها هیچ ایرادی ندارد، بلکه حتی در صورت لزوم باعث زیباییِ متن فارسی هم می‌شود، اما استفاده از صورت‌های شکسته، یعنی صورت‌هایی که مبین تلفظِ گفتری کلمات است، به زبان فارسی لطمه می‌زند و آن را تضعیف و حتی نابود می‌کند، باعث ایجاد شقاق فرهنگی بین نسل جوان و آثار ادبی و فرهنگی قدیم می‌شود. این ادبای ترجمه‌نارند که اولاً هر زبان‌گونه‌ای به شیوه‌ای خاص خود میان دو دستگاه نحوی و واجی‌اش پیوند برقرار می‌کند (Marina Nespor, 2007, pp. 1-25)، و ثانیاً هر نویسنده‌ای حق دارد خود درباره‌ی میزان این درهم آمیختگی تصمیم بگیرد؛ آمیختن نحو یک زبانِ بزرگ به نظامِ واجیِ زبان‌گونه دیگر در آثار ادبی، مسئله‌ای سبکی است، و تحمیل هر سبکی بر نویسندگان، حکم زنجیری را دارد که بر دست و پای آنها ببندند. این عمل در نابودی اثر ادبی، دست‌کمی از اعمال ممیزی ندارد و باید جداً از آن حذر کرد؛ اگر ممیزی یوغ بیرونی است، اجبار به درهم آمیختنِ نحوِ گونه‌ی گفتاری با نظامِ واجیِ گونه‌ی نوشتاری در دیالوگ‌های رمان، یوغی درونی است! البته افراط نویسندگان در استفاده از صورت‌های گفتاری و نیز رعایت نکردن دستور خط یا رسم‌الخط یک‌دست و ضابطه‌مند، باعث نامفهوم شدن متن و بروز تشتت در خط فارسی می‌شود، اما همانطور که ظهور نحو و واژگانِ گفتاری در نوشته‌های فارسی آسیبی به زبان فارسی نمی‌زند، ظهور صورت‌های شکسته نیز در نثر، اگر به اقتضای سبک و با رعایت اعتدال و به شیوه‌ای ضابطه‌مند صورت بگیرد، نه تنها

ضروری به حال این زبان ندارد بلکه فایده‌های بسیاری هم دارد: اولاً راه بیان اندیشه نویسنده اثر ادبی را هموارتر می‌کند و بر توانمندی زبان فارسی در بیان هرچه شفاف‌تر مفاهیم و افکار گوناگون می‌افزاید، و ثانیاً باعث نزدیک شدن هرچه بیشتر دو گونه نوشتاری و گفتاری فارسی می‌شود و به این ترتیب زبان فارسی را هرچه معیارتر می‌سازد و خطر مبتلا شدن به دوزبانگونی کامل را از سر آن دور می‌کند.

استفاده از فارسی شکسته در داستان‌ها و اشعار عامیانه جدید از زمره صنایع ادبی است، راسته از آن در پیامک‌ها و ارتباطات اینترنتی از پیامدهای ناگزیر فن‌آوری‌های جدید است. مخالفان شکسته‌نویسی، یادآور دعوائی است که صورت بسیار شدیدترش در مورد زبان «نان» رخ داده و از ویژگی‌های جوامع دوزبانگونه است. اما آیا واقعاً می‌توان انتظار داشت که با چنین تجربیزهایی، نویسندگان ایرانی دست از شکسته‌نویسی بردارند، و یا خیل افرادی که از طریق نوشتار در فضاهای گوناگون مجازی با هم ارتباط برقرار می‌کنند، لفظ قلم را جایگزین لفظ «دور» یا فارسی شکسته بکنند؟ در چنین مواردی باید دست از تجویز که شیوه رایج دستور زبان سنتی است برداشت، و به واقعیت رجوع کرد و به توصیف و سپس تبیین آن پرداخت. تجویزها و دستور العمل‌های گوناگون، اگر براساس واقعیت نباشند، قادر به انجام هیچ اصلاحی نخواهند بود، و تنها براساس توصیفی صحیح از واقعیت می‌توان آن را به طور قابل قبولی تبیین و سپس احیاناً هدایت و اصلاح کرد.

ما در این کتاب، به عنوان پیکره، تعداد صد کلمه از گفتگوهای ۱۱۲ اثر نمایشی و داستانی فارسی را که طی صد سال، از ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷، به زبان فارسی منتشر شده است، به صورت تصادفی گردآوری کرده‌ایم و صورت‌های شکسته را در آن ۱۱۲۰۰ کلمه، مبنای محاسبات و نتیجه‌گیری‌های خود قرار داده‌ایم. از مقایسه صورت‌های شکسته در این ۱۱۲۰۰ کلمه با نمونه‌هایی از فارسی شکسته در پیام‌ها و نوشته‌های گوناگون در فضای مجازی، به این نتیجه رسیدیم که تفاوت بین صورت‌های شکسته در داستان‌های فارسی و در پیامک‌ها و نوشته‌های فضای مجازی بسیار اندک است به طوری که صورت‌های شکسته متون داستانی و نمایشی را می‌توان نماینده تام و تمام صورت‌های

شکسته در پیامک‌ها و ارتباطات اینترنتی نیز دانست. به عنوان مثال به جمله‌های زیر توجه شود که از منابع گوناگون گرد آورده‌ایم (در این شواهد ذیل صورت‌های شکسته خط کشیده‌ایم):

۳. من نمیخام پس افتاده یه نره خر دیگه رو سر سفره خودم ببینم. (آل احمد، «بچه مردم»)

۴. زار و زار گریه می‌کردن پریا / مٹ ابرای باهار گریه می‌کردن پریا (پریا، احمد شاملو)
۵. دو م از شیراز میاد تهران می‌رم پیشش. ماما این نمیدونن هنوز البته (از یک گنگو دوستانه در تلگرام)

۶. من آنجا ن سم افان حسنی قراره آزمون رو بگیرند و سرایدار درو باز نمیکنه! (از یک پیامک)

۷. می‌خوام خود بکشم للفا راهنمایی ام کنین (از صفحه‌ای در یک اتاق گفتگو در اینترنت)

۸. سلام خوبین? یه آدم خوب و باهار خصیت جهت آشنایی بیشتر پیام بده (از صفحه‌ای در یک اتاق گفتگو در اینترنت).

۹. ممنون می‌شم تو تحقیق من شرکت کنین و ان رو واسه دوستانتون به اشتراک بگذارید (از پیامی در فیسبوک).

رسم الخطی که در این کتاب برای فارسی شکسته در هتکه‌های آثار داستانی و نمایشی فارسی پیشنهاد می‌کنیم، به سادگی قابل استفاده در پیامک‌ها و نوشته‌های فضای مجازی نیز خواهد بود.

فصل نخست کتاب حاضر به بررسی این موضوع اختصاص دارد که تفاوت‌های بین فارسی رسمی و فارسی گفتاری، در بسیاری از موارد، از نوع همان تفاوت‌هایی هستند که بین گونه‌های موجود در وضعیت دوزبانگونی مشاهده می‌شوند. در فصل بعد درباره معنای دقیق اصطلاح «فارسی شکسته» بحث می‌کنیم و از ایراداتی که به این اصطلاح می‌گیرند سخن می‌گوییم. در فصل سوم درباره دو حوزه عمده استفاده از فارسی شکسته، یعنی داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها و اشعار عامیانه جدید از یک سو، و پیامک‌ها و

ارتباطات اینترنتی از سوی دیگر سخن می‌گوییم، و پس از آن در فصل چهارم دیدگاه‌های گوناگون را دربارهٔ شکسته‌نویسی بررسی می‌کنیم. فصل پنجم به بررسی سیر شکسته‌نویسی در داستان‌های فارسی از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷، و نیز استخراج صورت‌های شکسته از این آثار و طبقه‌بندی انواع آنها اختصاص دارد. در فصل ششم صورت‌های شکسته را طبقه‌بندی می‌کنیم و می‌کوشیم تا بر اساس گرایش‌های واقعی نویسندگان ایرانی، و نیز با توجه به اصول حاکم بر کتاب دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۹۴)، دستوری برای خط فارسی شکسته به دست دهیم. در فصل هفتم از ضرورت ضبط کردن صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی سخن می‌گوییم و پس از اصول و مبانی خود را برای چگونگی درج صورت‌های شکسته در فرهنگ‌های فارسی شرح می‌دهیم. فصل پایانی کتاب شامل پنج ضمیمهٔ زیر است:

- (۱) متن کامل پیکرهٔ مورد استفاده در تدوین کتاب حاضر؛ (۲) فهرست نام نویسندگانی که پیکرهٔ ما از آثار آنان فراهم آمده است؛ این فهرست به ترتیب سال تولد نویسندگان منظم شده است؛ (۳) چند نکته دربارهٔ برخی از انواع قواعد واج‌شناختی که در کتاب حاضر از آنها سخن به میان آمده است؛ (۴) حیدهٔ رسم الخط فارسی شکسته، در مورد صورت‌های شکسته‌ای که براساس قواعد آوایی زیای از روی صورت‌های سالمشان مشتق نمی‌شوند و ما آن‌ها را پیکرهٔ کتاب حاضر و مشتق می‌شوند؛ (۵) فهرستی متشکل از کلمات شکسته‌ای که براساس قواعد آوایی زیایی از روی صورت‌های سالمشان مشتق نمی‌شوند و ما آن‌ها را پیکرهٔ کتاب حاضر و یکی دو مأخذ دیگر استخراج کرده‌ایم. این فهرست را براساس دسته‌بندی صورت‌های شکسته تهیه کرده‌ایم تا مخصوصاً زبان‌آموزان خارجی بتوانند از آن برای یافتن صورت‌های مورد نیاز خود استفاده کنند.

توجه شود که مراجعه‌کنندگان کتاب حاضر می‌توانند، بی آنکه مجبور به مطالعهٔ تمامی مطالب فنی کتاب باشند، از دو ضمیمهٔ ۴ و ۵ به عنوان شیوه‌نامه‌ای برای نگارش ضابطه‌مند انواع صورت‌های شکسته استفاده کنند.